

بسم الله الرحمن الرحيم

## بررسی امر غیر اخلاقی اهانت به مقدسات

### با تأکید بر آرای شیعه و اهل سنت

راضیه علی اکبری

دکترای مذاهب کلامی دانشگاه ادیان و مذاهب قم

*aliakbari.qom@gmail.com*

#### چکیده

تقریب مذاهب اسلامی، آرمانی دینی و بایسته ای عقلانی و مورد تأکید قرآن کریم و سنت نبی اکرم صلی - الله علیه و آله - است. آموزه های اسلامی علاوه بر طرح گفتمان اعتقادی - فقهی، با دستورهای اخلاقی فراوان، مسلمانان را از تفرقه بازداشته است. تقریب مذاهب اسلامی، توصیه ای اخلاقی و راهکاری اجتماعی است که در بستر مجموعه ای از تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شکل می گیرد. اگر اختلاف نظرهای کلامی و فقهی موجود بین پیروان مذاهب، با رعایت اخلاق پیش برود، سبب پویایی جوامع اسلامی خواهد شد. بنابراین می توان گفت یکی از مهمترین موانع تقریب، نادیده گرفتن مسائل اخلاقی از جمله «احترام به مقدسات مذاهب» است. به جهت اهمیت این مسئله، مقاله حاضر با روش تحلیلی - توصیفی و با هدف گسترش فرهنگ تقریب از طریق رفع موانع، به بررسی امر غیر اخلاقی اهانت به مقدسات فریقین، با در نظر گرفتن آرای شیعه و اهل سنت می پردازد. حقیقت این است که هیچ کدام از مذاهب اسلامی اهانت به مقدسات را بر نمی تابند؛ اما برخی پیروان تندروی مذاهب با انجام رفتارهای افراطی، آتش تفرقه را میان مسلمانان روشن می کنند. در حالی که پیروان مذاهب به رغم تفاوت در نگرش های فقهی - کلامی، می توانند با به کارگیری معیارهای اخلاقی مشترک، که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله - به ارمغان آورده و برای تکمیل آن مبعوث گشته است، به تقریب دست یابند.

واژگان کلیدی: اهانت به مقدسات، شیعه، اهل سنت، سب و لعن، تشیع انگلیسی.

## مقدمه

مکتب حیات بخش اسلام به عنوان کامل ترین دین، به «اخلاق» اهمیت فراوان می دهد و به آن اهتمام می ورزد، تا آنجا که بخش مهمی از آیات قرآن و احادیث اسلامی مربوط به مسائل اخلاقی است، تا حدی که می توان گفت اخلاق بر تمام شعبه های دیگر دین، تقدم دارد. شاید از این رو است که پیامبر اکرم -صلی الله علیه و آله- علوم را به سه بخش «احکام، اخلاق و عقاید» تقسیم نموده اند.<sup>1</sup>

امروزه در جهت تحقق و گسترش امر تقریب مذاهب اسلامی، تلاش های علمی در زمینه کلامی - فقهی صورت گرفته، اما با موفقیت چشمگیری مواجه نشده، از این رو خردمندانترین روش برای تحقق این مهم، ورود از بخش اخلاق است که بیشترین حس تقریب را بین صاحب نظران مذاهب گوناگون بر می انگیزد. برخلاف اختلافات اعتقادی - فقهی، در عرصه اخلاق هیچ اختلافی میان مذاهب اسلامی وجود ندارد و آموزه های اخلاقی میان مسلمانان کاملاً مشترک است و این یک سکوی پرش قوی در جهت نزدیکی پیروان مذاهب می تواند باشد.

برخی اوقات مراد از امور اخلاقی، درستی و خوبی آن است. وقتی گفته می شود فلان عمل اخلاقی، یعنی آن عمل خوب یا درست است. در این صورت، امور اخلاقی در مقابل امور ضد اخلاقی به کار رفته است.<sup>2</sup> به همین دلیل وقتی از موانع اخلاقی تقریب سخن می گوئیم منظورمان موانعی است که به سبب رفتارهای غیر اخلاقی، از قبیل اهانت به مقدسات یکدیگر به وجود می آید. هر جا رذیلت هایی اینچنین، فرصت حضور بیابند، تفرقه و اختلاف رخ عیان می کند. هر چه در حریم اخلاق نباشد، سرچشمه نزاع است و فرجامی جز پایمال کردن باورهای دینی، سست شدن بنیان های اجتماعی و آسیب دیدن ارزش ها و در نتیجه تفرقه مسلمانان ندارد.<sup>3</sup> از این رو مقاله پیش رو به بررسی امر غیر اخلاقی اهانت به مقدسات می پردازد.

---

1. انما العلم ثلاثه آیه محکمه او فریضه عادله او سنت قائمه و ما خلاهن فهو فضل، ر.ک: محمدبن یعقوب کلینی، اصول

کافی، ج 1، ص 37.

2. نک: محمدتقی مصباح یزدی، دروس فلسفه اخلاق، ص 10.

3. نک: سیدحسین اسحاقی، نسیم همبستگی، ص 5.

در عصر کنونی، از آنجا که جهان اسلام با تنش های بسیار مواجه شده و مطمح نظر استکبار جهانی و مورد خشم دشمنان اسلام قرار گرفته، هر گونه تلاشی در جهت یکپارچگی مسلمانان، از ضروریات جهان اسلام و مهم ترین استراتژی برای مقابله با توطئه های استکبار جهانی است. به گونه ای که این مسئله می تواند استکبار جهانی را به چالش کشانده و برای حفظ هویت پیروان مذاهب اسلامی نیازمند تثبیت موقعیت و تحقق آرمان های مسلمانان است.

یکی از راه های تحقق تقریب مذاهب اسلامی و تشکیل جبهه متحد و مقتدر مسلمانان جهان در برابر دشمنان اسلام، شناسایی و رفع موانع موجود بر سر راه این هدف است، که پس از مفهوم شناسی به آن می پردازیم.

## 1. مفهوم شناسی

\* اهانت یا توهین، واژه ای عربی از ریشه «وهن» به معنای سستی است<sup>1</sup>؛ در لغت به معنی خوار شمردن، خفیف کردن، سبک داشتن و سست کردن می باشد.<sup>2</sup> در تعریف اصطلاحی اهانت گفته شده: «نسبت دادن هر امر وهن آور اعم از دورغ یا راست، به هر وسیله و طریقه؛ یا انجام دادن هر فعل یا ترک فعلی که از نظر عرف و عادت باعث پست شدن دیگری گردد».<sup>3</sup> عرف، ملاک تشخیص گفتار یا کرداری است که موجب اهانت می شود. توهین ممکن است در قالب لفظ یا فعل باشد، و توهین لفظی متداول تر است و نمونه بارز آن فحاشی و به کار بردن الفاظ رکیک می باشد.

\* مقدسات اسلامی جمع مقدسه است و مقدس به معنای «پاک، پاکیزه، منزّه و آنچه از نظر دینی مورد توجه و تقدیس قرار گیرد» آمده است. معنای اصطلاحی مقدسات به معنای لغوی آن نزدیک بوده و آن عبارت است از: «ذات باری تعالی، قرآن کریم و تمام اشخاص، مکان ها و زمان هایی که از هر گونه ناپاکی منزّه بوده و رعایت حرمت آنها ضرورت دارد».<sup>4</sup>

ملاک تعیین مقدسات مذاهب اسلامی، «قابل احترام بودن از نظر موازین دین اسلام» است. احترام به امر مقدس باید به گونه ای باشد که اهانت به آن مستلزم اهانت به اسلام باشد.

1. ابن منظور، لسان العرب، ج 15، ص 59.

2. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج 3، ص 6278.

3. نک: ابراهیم پاد، حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)، ج 1، ص 373.

4. محمود معین، فرهنگ فارسی، ص 4291.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مقدسات مذاهب اهل سنت مورد توجه قرار گرفته است؛ اصل دوازدهم قانون اساسی پس از آنکه مذهب شیعه را مذهب رسمی ایران اعلام می‌کند، چنین ادامه می‌دهد: «مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند...». اگر مقدسات را به امور محترم تفسیر کنیم، به موجب این اصل، اعتقادات و احکام مذاهب دیگر نیز محترم هستند، بنابراین اهانت به آنها، اهانت به مقدسات اسلام محسوب می‌شود. چرا که مقدسات اسلام، مقدسات مذاهب شیعه و مذاهب سنی اعم از حنفی، مالکی و حنبلی را شامل می‌شود.<sup>1</sup>

\* لعن در لغت به معانی طرد و دور کردن،<sup>2</sup> راندن همراه با ناخشنودی و ناراحتی،<sup>3</sup> دوری از رحمت آمده است،<sup>4</sup> و لعن از سوی خداوند به معنای طرد و دور کردن از رحمت و از جانب مردم به معنای دعا و سب و نفرین برای دوری از رحمت الهی و گرفتار شدن به عذاب و عقوبت اخروی می‌باشد.<sup>5</sup>

\* سب در لغت به معنی دشنام دردناک،<sup>6</sup> آن است که چیزی به صورت تنقیص و تضعیف توصیف شود،<sup>7</sup> ریشه آن قطع است که شتم و دشنام از او گرفته شده و هیچ چیز قطع کننده‌تر از دشنام نیست.<sup>8</sup> البته لعن از جانب مردم مایه تنفر و برائت از ملعون هم می‌باشد. اما سب دشنام و سخن زشتی است که موجب تضعیف می‌شود.

## 2. اهانت به مقدسات از دیدگاه شیعه

همه مسلمانان به مقدسات مشترکی همچون قرآن و رسول مکرم اسلام -صلی الله علیه و آله-، احترام می‌گذارند، علاوه بر آن، یکسری اعتقادات هم از مختصات هر مذهب است که نباید پیروان دیگر مذاهب اسلامی آنها را مورد هتک و اهانت قرار دهند.

1. نک: ایرج گلدوزیان، حقوق جزای اختصاصی، ص 495.

2. ابن فارس، مقائیس اللغه؛ ر.ک: زمخشری، اساس البلاغه، واژه لعن.

3. راغب اصفهانی، مفردات، ص 471.

4. طریحی، مجمع البحرین، ج 6، ص 309.

5. ابن اثیر، نهایه، ج 4، ص 255.

6. راغب اصفهانی، مفردات، ص 225.

7. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج 6، ص 68.

8. ابن فارس، مقائیس اللغه؛ ر.ک: ابن اثیر، نهایه، ج 4، ص 330.

در واقع، خط قرمز از نظر نظام اسلامی، «اهانت به مقدسات یکدیگر» است. آن کسانی که نادانسته از روی غفلت، گاهی از روی تعصب های نابجا، به مقدسات یکدیگر توهین می کنند، نمی فهمند چه می کنند. بهترین وسیله برای دشمن همین افراد هستند و این خط قرمز است.<sup>1</sup>

متأسفانه کسانی هستند که به هیچ وجه «دیگری» را به رسمیت نمی شناسند و هر چه می گذرد دایره «خود» را محدودتر می کنند. ایشان دغدغه ای جز بقای خویشتن ندارند و خود را ساکنان جزیره ای جدا افتاده می دانند که می توانند در ستیز با دیگران یا به دور از آنان، به حیات خود ادامه دهند. در حالی که همواره در دو نوع افراط گرفتار می شوند: هم در ستایش از داشته ها و دانسته های خویش اغراق می کنند و هم در نقد و طعن دیگران هیچ حریمی را محترم نمی شمارند. اینان در میان مناسبت های دینی و مذهبی نیز بر مناسبت هایی تأکید می کنند که بهتر بتواند مرزبندی های درون اسلامی را نشان دهد و بیش تر بتواند خودی ها را بر ضد دیگران برانگیزاند. در نکوداشت بزرگان دین و مذهب تا می توانند بر مواضع تراژیک انگشت می گذارند تا حدی که دیگر مجالی برای تقریب و تعامل با دیگر مسلمانان باقی نمی ماند.<sup>2</sup> به این جهت اولاً به طور کلی توهین کردن حتی نسبت به مخالفان کار نادرستی است و از اخلاق حسنه به دور است؛ ثانیاً توهین، راه هدایت را بسته و به موضع گیری مخالفان می انجامد و تمام امیدها را برای ایجاد تقریب از بین می برد. مهمترین مصادیق اهانت به مقدسات یکدیگر سب و لعن است، که به توضیح مختصر هر یک می پردازیم و دیدگاه شیعه و اهل سنت را بیان می کنیم.

سب و دشنام، با بیزاری و تنفر همراه است. در قرآن واژه لعن از جانب خداوند 37 مرتبه و از جانب مردم یک مرتبه به کار رفته است. اما واژه سب در قرآن کریم یک بار به صورت نهی به کار رفته است: «و لاتسبوا الذین یدعون من دون الله فیسبوا الله عدواً بغیر علم: دشنام ندهید کسانی که غیر خدا را می خوانند - چرا که آنان نیز - ممکن است حضرت حق را از روی دشمنی و بدون علم دشنام دهند»<sup>3</sup>. این پدیده به این علت اهانت به مقدسات است که گمان اهل سنت این است که شیعیان همواره به سب و لعن صحابه می پردازند و این را یکی از بزرگترین شعائر و نشانه های تشیع می پندارند! اما جای هیچ تردیدی نیست که سب به معنای دشنام در مذهب شیعه جایی ندارد.

1. بیانات در دیدار کارگزاران و دست‌اندرکاران حج، 4 آبان 88 .

2. نک: حمیدرضا شریعتمداری، «واژه‌های ناساز»، مجله هفت آسمان، ش 33، سرمقاله .

3. انعام / 108.

شاهد این ادعا فرمایش امیرالمومنین علی -علیه السلام- (در جنگ صفین به آن دسته از شیعیان که به شامیان دشنام می‌دادند) است که فرمود: «من خوش ندارم شما بسیار لعن و دشنام گوید، ولی اگر رفتارشان را وصف و سیره و کردار آنان را ذکر کنید، سخن درست تر و عذر آورانه تری گفته اید»<sup>1</sup>.

روایات دیگری نیز از رسول گرامی اسلام -صلی الله علیه و آله - در منابع شیعه و اهل سنت فراوان است، از جمله حضرت فرموده اند: «دشنام دهندگان هر دو شیطانند...»، «ناسزاگویی مؤمن، فسق و جنگ با او موجب کفر است»<sup>2</sup>، «از به کار بردن الفاظ زشت دوری کنید که خداوند فحش و فحاشی را دوست ندارد»<sup>3</sup>؛ و «مردگان را دشنام ندهید چرا که آنان شتافته اند به سوی اعمالی که پیش فرستاده اند»<sup>4</sup>.

طبق روایات ذکر شده در می‌یابیم که سب و فحش و حتی پاسخ ناسزا به ناسزا، و اهانت به مقدسات و اشخاص مورد احترام دیگران در قاموس امامانی که رسالت اصلی آنان هدایت گری و تسخیر قلوب بود و نه انتقام و غلبه بر افراد، هیچ گونه جایگاهی نداشته است. از این رو بر پیروان حقیقی ایشان نیز لازم است پابندی خود را به سیره ی آن بزرگواران در عمل نشان دهند، و برای اظهار ارادت خود به آنان، به تحریک احساسات پیروان سایر مذاهب اسلامی نپردازند.<sup>5</sup> امامان شیعه از ناسزاگویی و سب پرهیز می‌کردند.<sup>6</sup> البته در پی آن نبودند که افکار پیروان خود را با دیگران هماهنگ سازند، بلکه می‌خواستند شیعیان به جای کاربرد تعابیر درشت و زننده ای چون سب و لعن که نتیجه ای جز فزونی اختلافات و باقی ماندن بر آن ندارد، مقدسات و افراد مورد احترام دیگر مسلمانان را حرمت نهند و اینکه نباید جدال احسن بر سر دلبستگی‌ها، عقاید و باورهای خود را، با سخنان گزنده، تنش آور، عیب جویی و سرکوب عقاید دیگران، خلط کنند.<sup>7</sup>

در میان علما و بزرگان شیعه هم این رفتار غیر اخلاقی نهی شده است؛ برای نمونه، شیخ ابوالفضل بن حسن طبرسی، از فقهاء و مفسرین بزرگ شیعه، در تفسیرش «مجمع البیان» و فقه مقارنش «المختلف من المختلف»

---

1. نهج البلاغه، خطبه 206.

2. بخاری، صحیح، ج 8، ص 18؛ محدث کاشانی، محجه البیضا، ص 218.

3. نورالدین هبثی، مجمع الزوائد، ج 8، ص 64.

4. نک: محدث کاشانی، محجه البیضا، ج 5، ص 224.

5. نک: علی آقانوری، امامان شیعه و وحدت اسلامی، ص 237.

6. نک: علی آقانوری، امامان شیعه و وحدت اسلامی، ص 226.

7. نک: علی آقانوری، امامان شیعه و وحدت اسلامی، ص 233.

در هر بحثی آراء و نظریات اصحاب و علمای سایر مذاهب را در کنار مذهب اهل بیت -علیهم السلام- بدون تعصب و طعن عرضه می دارد که گویا با پیروان همان مذهب سخن می گوید. همچنین در مورد شهید ثانی گفته شده به گونه ای با اهل سنت تعامل داشت که بسیاری از شاگردان وی از میان اهل تسنن بودند.<sup>1</sup>

علامه شرف الدین نیز مظهر ادب اختلاف و جدال بالّتی هی أحسن بود تا جایی که شیخ الأزهر، سلیم بشری حاضر شد با وی مکاتبه کند، و وقتی به مکه رفت برای نخستین بار همه مسلمانان سراسر جهان به امامت وی در مسجد الحرام نماز خواندند.<sup>2</sup>

### 3. اهانت به مقدسات از دیدگاه اهل سنت

برخی اندیشمندان اهل سنت بر این باورند که شیعه چون سبّ و طعن نسبت به صحابه و برخی زنان پیامبر -ص- روا می داند، پس کافر است.<sup>3</sup> همچنین از نظر ابن تیمیه رافضی ها دچار افراط شدند، چرا که به صحابه و احادیث آنها طعنه زدند و به همین طریق رسالت را تعطیل کردند.<sup>4</sup> وی معتقد است شیعه به تکفیر ابی بکر، عمر، عثمان و مهاجرین و انصاری که از اینان تبعیت می کنند، می پردازد؛ همچنین از نظر او شیعه رافضی، کل کسانی که به عدالت ابوبکر و عمر و مهاجرین و انصار معتقدند را تکفیر می کند. ابن تیمیه می گوید: «شیعه کفر چنین افرادی را شدیدتر از کفر یهود و نصاری می داند و لذا نکاح و ذبیحه ی آنها را حرام می داند. شیعه آنها را مرتد می داند».<sup>5</sup>

از امام احمد بن حنبل روایت شده سبّ صحابه اساسا اسلام ندارد و کسی که عثمان را مورد شتم قرار دهد زناذقه است. همچنین در روایتی دیگر آمده کسی که ابابکر، عمر و عایشه را مورد شتم قرار دهد مسلمان

---

1. نک: راضیه علی اکبری، نقش علمای جبل عامل در گسترش تشیع، مجموعه مقالات کنگره شهیدین، ص 148 .

2. نک: شرف الدین عاملی، المراجعات، ص 19.

3. ابن جوزی، الموضوعات، ج 1، ص 243؛ ذهبی، میزان الاعتدال، ج 1، ص 601 .

4. ابن تیمیه، منهج فی مسأله التکفیر، ج 2، ص 476.

5. ابن تیمیه، منهاج السنّه، ج 7، ص 219.

نیست.<sup>1</sup> ابن تیمیه در بیان عقوبت سب و لعن شیعه می گوید: «عده ای معتقدند واجب است تعزیر آنها و از او خواسته می شود توبه کند، اگر توبه نکرد او را حبس می کنند تا بمیرد یا برگردد».<sup>2</sup>

در بررسی این مسئله، باید دانست که محل نزاع تشیع و تسنن در سب و لعن این است که اصل لعن، بنا بر تکرار آن در قرآن و روایات، جایز است؛ اما متعلق لعن، یعنی جایز بودن یا جایز نبودن لعن مسلمان و نیز شخص معین، محل نزاع است. در این زمینه به عقیده برخی، لعن افراد جایز نیست؛<sup>3</sup> چرا که ممکن است در پایان عمر توبه کرده باشد و با بخشش الهی از دنیا رفته باشد.<sup>4</sup>

برخی دیگر خلاف این نظر را قائلند چرا که بر این باورند که ملاک، حال کنونی افراد است. برخی بر این توهم اند که لعنت کسی که نام اسلام بر اوست جایز نیست، در حالی که خداوند در قرآن برخی از مسلمانان را لعن کرده است، مانند کسانی که افتراء به زنان پاکدامن می زنند یا مسلمانانی که ظالم اند، و این آیات درباره مسلمانان و اهل قبله وارد شده است.<sup>5</sup>

بنابراین لعن در مورد افراد خاص، - که گناهشان قطعی است - به معنی بیزارى جستن و ابراز تنفر از گناه وی، نوعی تبری بوده و جایز است.<sup>6</sup> بدین جهت که همان خدایی که سب را جایز ندانسته (لا تسبوا)، خودش افرادی را در قرآن مورد لعن قرار داده<sup>7</sup> و مسلمانان هم لعن را به همان معنی که خدا اراده فرموده جایز یا واجب می دانند و اگر کسی لعن به یکی از طوایفی که خدا مورد لعن قرار داده را تجویز نمود، مخالفت با قرآن نموده و هر کس با قرآن مخالفت نماید مسلمان نیست.<sup>8</sup>

البته اگر طعن نسبت به خلفا و صحابه موجب تکفیر باشد، باید حکم کفر عده ای از صحابه را نیز صادر کرد، چنانچه در طول دوران زمامداری معاویه و بنی امیه، بعضی از صحابه به حضرت علی و امام حسن و

---

1. ابن تیمیه، منهج فی مسأله التکفیر منهج فی مسأله التکفیر، ج 2، ص 443.

2. الکائی، شرح اصول اعتقاد اهل سنت و الجماعه، ج 4، ص 1263؛ ابن بطه العکبری، الابانه، ص 160 - 162.

3. نک: غزالی، احیاء علوم الدین، ج 3، ص 125.

4. نک: ابن تیمیه، الفتاوی الکبری، ج 4، ص 260.

5. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 11، ص 22.

6. علی غضنفری، مبانی تشیع در منابع تسنن، ص 175.

7. انعام/108؛ احزاب/66 و 68 و 57؛ محمد/25؛ توبه/67؛ فتح/6؛ بقره/89 و 158 و 160؛ هود/18؛ رعد/25؛

مومن/55؛ آل عمران/81؛ قصص/42؛ اسراء/60.

8. نک: محمدباقر زندکرمانی، نشانه های ولایت، ص 83.



امام حسین ع - و عده ای دیگر از صحابه ناسزا می گفتند.<sup>1</sup> اما در مورد اهانت شیعه به عایشه، باید گفت در اصول اعتقادی شیعه به علت نزاهت خاندان وحی، افترا و تهمت به عایشه ناممکن است؛ اما انتقادهایی بر وی وجود دارد؛ چرا که عایشه پس از امر خدا به قرار گرفتن در خانه<sup>2</sup>، از خانه اش خارج شد و سوار بر شتر به بصره رفت و لشگری را فرماندهی کرد. شیعه، عایشه را به سبب عملکردش در جنگ جمل با امیرالمومنین ع - و رفتارش به هنگام دفن امام حسن مجتبی ع - نکوهش می کند. اما آبروی او محفوظ می باشد.<sup>3</sup> حتی اگر گفته شود که تمام شیعیان به سب و لعن می پردازند، اما این موجب کفر و خروج آنان از اسلام نمی شود، حداکثر این است که معصیتی کرده اند و عصیان هم باعث تکفیر و قتل آنها نخواهد شد.<sup>4</sup>

نکته لازم توجه در این زمینه آن است که در برخورد با عقاید پیروان مذاهب، برخی تمام مسائل اصلی و فرعی مطرح در کتب عقاید و فقه را جزء ضروریات اسلام می دانند؛ در حالی که ضروریات، اصول دینی هستند که باورمندی به آن شرط مسلمانی است. منابع اسلامی و روایات نبوی این اصول را همان اعتقاد به وحدانیت الهی، رستاخیز و نبوت عامه و خاصه می دانند. عقاید غیر ضروری، مسائلی است که در آن مجال اختلاف نظر می باشد و اتفاق آرا در این مسائل بین مسلمانان وجود ندارد. بر این اساس مسأله «امامت» نزد امامیه از جمله ضروریات دین اسلام محسوب نمی شود.<sup>5</sup> مسأله دیگری که ضروریات دین نیست عدالت صحابه یا همسران پیامبر ص - و بعضی از خلفا است. بنابراین تکفیر شیعه و سنی در این موارد نابجاست؛ چون این موارد جزء اصول دین نیست که با عدم پذیرش آن، فرد غیر مسلمان و در نتیجه کافر محسوب شود.

اندیشمندان اهل سنت نیز نسبت کفر را تنها در صورت انکار ضروری دین روا می دانند، از جمله ابن حجر عسقلانی که قائل است کفر در شرع، به معنای انکار چیزی است که از دین اسلام به ضرورت شرعی معلوم

1. مسلم، الصحيح، ج 5، ص 301 - 380؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحيحین، ج 3، ص 109؛ عسقلانی، الاصابه، ج 2،

ص 509؛ مالکی، مبلغ، نه پیامبر، ص 51؛ طبری، تاریخ الطبری، ج 2، ص 504؛ بخاری، ج 3، ص 240

2. احزاب/33.

3. شرف الدین عاملی، الفصول المهمه، ص 211.

4. بی آزار شیرازی، همبستگی مذاهب اسلامی، ص 112.

5. خمینی، کتاب الطهاره، ج 3، ص 322 - 441.

است.<sup>1</sup> تفتازانی، شرط تکفیر را انکار ضروریات دین مانند حدوث عالم و معاد اعلام نمود و تأکید داشت که پیامبر ص - هرگز تفتیش عقاید نمی کرد.<sup>2</sup> بنابراین اهانت به مقدسات موجب تکفیر نمی شود.

#### 4. تشیع انگلیسی و اهانت به مقدسات

یکی از جریاناتی که طی پنجاه سال اخیر به اسم شیعه، در مقابله با تقریب مذاهب شکل گرفته و در حال پیشرفت می باشد، جریانی است که در حاشیه و متن بیوت یکی از مراجع تقلید قم به نام «شیرازی» شکل گرفته و در حال حاضر، بدون توجه به شرایط زمان و مکان و مسائل جاری جهان اسلام، با توهین به مقدسات اهل سنت و ترویج شعارهای افراطی، زمینه تشدید اختلافات دینی را فراهم نموده و موجب کشتار شیعیان بی گناه در اقصی نقاط جهان شده است.

جریان شیرازی در عرصه بین الملل در جهت تفرقه افکنی میان مسلمانان و تاثیرگذاری بر عمق استراتژیک نظام مقدس جمهوری اسلامی به دنبال بسط نفوذ خود در عرصه بین المللی هستند و در همین راستا، علاوه بر موارد فوق، ارتباطات قابل تاملی با برخی جریانات در عربستان، عراق، هندوستان، کشورهای آفریقایی، کشورهای اروپایی، استرالیا و ... دارند.<sup>3</sup>

عناد و دشمنی این جریان با انقلاب اسلامی ایران و شخص حضرت امام خمینی (ره) و نیز حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)، امری است که ایشان هیچ واهمه ای از ابراز علنی آن حتی در داخل جمهوری اسلامی ایران نداشته اند. ضمن آنکه برخی وابستگان «بیت شیرازی» پا را از انتقاد و مخالفت فراتر نهاده و به توهین علنی مبادرت ورزیده اند؛ مواضع آشکار «سیدمجتبی شیرازی» برادر «سیدصادق» و «یاسر الحیب» را می توان از آن جمله بیان نمود.<sup>4</sup>

از دیدگاه یاسر الحیب، علت تقدسی که مذاهب اهل سنت برای برخی افراد قائل اند چند مسئله است که اگر آنها نباشد، اهانت یاسر الحیب قابل توجیه است؛ از جمله: 1) عدم علم به خطاهای ایشان؛ 2) برای پرهیز

1. عسقلانی، فتح الباری، ج 10، ص 466، ر.ک: مصری، البحر الرائق، ج 1، ص 601.

2. تفتازانی، شرح المقاصد، ج 5، ص 227-228.

3. عاطفه مالکی، بازشناسی و نقد ادله مخالفان شیعی تقریب در پنجاه سال اخیر، ص 92 - 114

4. اراکی محسن، «جریان شیرازی ها از ابتدا مورد حمایت دستگاه های اطلاعاتی انگلیس بودند»، تشیع ناب، ش 1، (زمستان 1393)، ص 40.

از لعن، باید شرعا حق را بیان کرد؛<sup>3</sup> برخی برای نهی از ذم مقدسات ادیان دیگر، به آیه نهی از سب تمسک می کنند. اما آنچه در آیه نهی شده، سب است نه لعن. ضمن اینکه آیه، ناظر به الهه مشرکین است نه غیر از آن.<sup>1</sup>

اندیشه های انحرافی مخالفان شیعی تقریب تنها به موارد مذکور خلاصه نمی شود؛ آنان با اصل ولایت فقیه و نظام جمهوری اسلامی نیز سر ستیز دارند.<sup>2</sup> در این زمینه شهید مطهری می گوید: «هر وقت جاهل ها و نادان ها و بی خبرها، مظهر قدس و تقوا شناخته شوند و مردم آنها را سمبل مسلمان عملی بدانند، وسیله خوبی به دست زیرک های منفعت پرست می افتد. این زیرک ها همواره آنها را آلت مقاصد خویش قرار می دهند و از وجود آنها سدّی محکم جلوی افکار مصلحان واقعی می سازند. بسیار دیده شده است که عناصر ضد اسلامی رسماً از این وسیله استفاده کرده اند؛ یعنی نیروی خود اسلام را علیه اسلام به کار انداخته اند. استعمار غرب تجربه فراوانی در استفاده از این وسیله دارد و در موقع خود از تحریک کاذب احساسات مسلمین خصوصاً در زمینه ایجاد تفرقه میان مسلمین بهره گیری می نماید. چقدر شرم آور است که مثلاً مسلمان دلسوخته ای درصدد بیرون راندن نفوذ خارجی برآید و همان مردمی که او می خواهد آنها را نجات دهد با نام و عنوان دین و مذهب، سدی در مقابل او گردند. آری اگر توده مردم جاهل باشند، منافقان از سنگر خود اسلام استفاده می نمایند».<sup>3</sup>

یکی از مسائلی که این گروه به آن اهمیت داده و آن را در شبکه های خود تبلیغ می کنند گرامیداشت روز نهم ربیع الاول است که آن را به عنوان "عیدالزهره" جشن می گیرند و به مقدسات اهل سنت اهانت می کنند. این در حالی است که شیعه واقعی از هر آنچه که باعث می شود مخالفان مکتب اهل بیت ع- و مذهب حقه شیعه امامیه از آن برای آسیب زدن به اعتقادات و مخدوش کردن چهره پاک تشیع بهره برداری کنند، باید خودداری و پرهیز کند. فارغ از صحت یا کذب عید الزهره، مطلب مهم این است که مقام و شأن حضرت فاطمه الزهرا س- به قدری عظیم است که ما نمی توانیم یک حادثه، مانند مرگ یک فرد را، به عنوان عید آن وجود مقدس تلقی کنیم. به نظر می رسد این به نوعی جسارت به حضرت زهرا س- و

1. یاسر الحیب، فاحشه اسم لآخر لعایشه، ص 39.

2. موحد، نعیمه، «شیع لندن، انحراف شیرازی ها و وظیفه شیعه»، روزنامه 19 دی، سه شنبه 11 آذر 1393؛ ش 2026،

6.

3. مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه علی؛ مجموعه آثار، ج 16، ص 334.

پایین آوردن شأن آن بزرگوار است که مرگ فردی، ولو که ظالم در حق آن بزرگوار باشد، عید آن وجود مقدس تلقی شود.

از این رو مقام معظم رهبری (مدظله العالی) تأکید بسیاری نسبت به توجه داشتن به این جریان دارند: «امروز بنده از گوشه و کنار عالم اطلاع دارم. همان دست‌های استعماری که در طول قرن‌های گذشته سعی می‌کردند بین شیعه و سنی اختلاف ایجاد کنند، امروز هم تلاش می‌کنند برای این‌که بین شیعیان و سنیان، کینه و برادرکشی و اختلاف به وجود آورند. شما مردم هوشمند باید مراقب باشید. شاید یک عده خیال کنند که ایجاد اختلاف به نفع مذهب آن‌هاست، در حالی که اشتباه می‌کنند. هر کس دارای هر مذهبی است، به عقاید و ارزش‌های خود احترام می‌گذارد و این حق اوست. اما این احترام گذاشتن نباید با اهانت به ارزش‌های جمعیت دیگری همراه شود که در اعتقادات با آن‌ها موارد اختلافی دارند. ما متفقاً به یک اسلام، یک کعبه، یک پیغمبر، یک نماز، یک حج، یک جهاد و به یک شریعت معتقدیم و عمل می‌کنیم. موارد اختلاف به مراتب کمتر از موارد وحدت و اتفاق نظر است. دشمنان اسلام می‌خواهند بین شیعه و سنی، نه فقط در نقاطی از ایران بلکه در همه دنیای اسلام، اختلاف بیندازند. من خبر دارم که تلاش می‌کنند».<sup>1</sup>

توجه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) به مسئله تشیع انگلیسی، برخاسته از یک احساس خطر جدی است. ایشان فرمودند که این خطر جدی نه تنها یکپارچگی امت اسلامی، که موجودیت تشیع را هم تهدید می‌کند. شیعه‌گری افراطی پس از پایان جنگ تحمیلی به وسیله انگلیسی‌ها قوت گرفت و با برنامه ریزی گسترده، جنگ نرم جدیدی علیه انقلاب و روحانیت شیعه آغاز شد. در دوران جنگ امیدوار بودند که بتوانند مبارزه کنند و آن را از پا درآورند؛ اما مردم ایران به رهبری امام، توانستند بر این توطئه فائق آیند و دشمن را شکست دهند، البته باید متذکر شد که مقصود مقام معظم رهبری (مدظله العالی) از تشیع انگلیسی، شیعیانی که در انگلیس، مظلومانه دین و راه و روش اهل بیت -ع- را در پیش گرفته و از آن حمایت می‌کنند، نیست؛ بلکه مقصود تشیعی است که به وسیله سیاست مداران انگلیس و رسانه‌های دولتی آن ترویج و پشتیبانی می‌شود.<sup>2</sup>

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در این زمینه می‌فرمایند: «از یک طرف گروه‌های تکفیری را به راه می‌اندازند که نه فقط شیعه را تکفیر کنند، بلکه بسیاری از فرق اهل سنت را هم تکفیر کنند؛ از آن طرف هم

1. بیانات در دیدار مردم زاهدان 1381/12/2 .

2. اراکی، محسن، «شیعه‌گری افراطی پس از پایان جنگ تحمیلی به وسیله انگلیسی‌ها قوت گرفت»، ص 43.

یک عده مزدور را به راه می اندازند که برای این آتش هیزم فراهم کنند، بنزین روی آتش بریزند و می بینید، می شنوید و یا خبر دارید که وسائل ارتباط جمعی و رسانه ای را در اختیار این ها می گذارند، در کجا؟ در آمریکا! در لندن! آن تشیعی که از لندن و از آمریکا بخواهد برای دنیا پخش بشود، آن تشیع به درد شیعه نمی خورد. رهبران دینی تشیع و به خصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، امام بزرگوار و دیگران، این همه تأکید می کنند بر حفظ اتحاد امت اسلامی و برادری مسلمانان با یکدیگر، آن وقت یک عده ای -کاسه ی داغ تر از آش- دنبال آتش افروزی، دنبال ایجاد درگیری و اختلاف هستند. این همان چیزی است که دشمن می خواهد.<sup>1</sup> «اگر دیدیم عواملی در جامعه شیعی، مشغول تحریک و برانگیختن حساسیت نسبت به برادران اهل سنت یا مقدسات آنها هستند؛ اگر حمل بر بدفهمی نکنیم، باید بدانیم که قطعاً دست دشمن است.»<sup>2</sup>

## 5. راهکارهایی در جهت عدم اهانت به مقدسات

(الف). الگوگیری از اهل بیت (علیهم السلام)

گاهی یک شیعه ناآگاه به امید ثواب و طرفداری از امیرالمومنین حضرت علی -علیه السلام- به لعن خلفا می پردازد، و همه را باطل اعلام می کند، اما نمی داند که این رفتار او خلاف هدف امیرالمومنین -علیه السلام- و سبب تفرقه مسلمین است. چرا که هدف حضرت «حفظ و پاسداری از اسلام» بود نه تبلیغ خلافت خویش. حضرت به دنبال منافع شخصی خود نبود و بخاطر حفظ دین، از حق ثابت و مسلم خود گذشت. شیعیان نیز باید رفتار امام خود را الگو قرار داده و با رفتار خود دین اسلام را حفظ و تقویت کنند.<sup>3</sup>

(ب). شناخت مستحق لعن

خداوند می فرماید: «لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم»<sup>4</sup>. خداوند بانگ برداشتن به بد زبانی را دوست ندارد مگر - از - کسی که بر او ستم رفته باشد». از این آیه می توان مسأله شتم و لعن ظالم و ستمگر را نیز استفاده نمود. البته همانطور که از متن آیه مشخص است، این در جایی است که شخصی که مورد

1. بیانات 92 / 6 / 20 .

2. بیانات 68 / 7 / 5 .

3. نک: سیدحسینعلی حسینی، غلو در دین، منشأ اختلاف مسلمین، ص 166 .

4. نساء / 148 .

لعن شده، استحقاق لعن داشته باشد، اما اگر استحقاق آن را نداشت و یک مسلمان بی گناه لعن شد، در این صورت در پاره ای از روایات تصریح شده که لعن و نفرین به خود گوینده باز می‌گردد.

روایتی از امام صادق-علیه السلام- نقل شده که می‌فرماید: «لعن و نفرین هرگاه از زبان شخصی گفته شود بین گوینده و مخاطب در تردد و رفت و برگشت است. اگر مخاطب استحقاق آن را داشته باشد، مورد لعن و نفرین قرار می‌گیرد و گر نه به گوینده آن سخن باز می‌گردد؛ در این صورت، گوینده آن به لعن و نفرین سزاوارتر خواهد بود».<sup>1</sup>

بنابراین در جواز لعن دیگران، باید استحقاق آنان را احراز کرد و حال آنکه نه تنها تشخیص مصداق مستحق در تخصص هر کسی نیست. شناخت ناسزا نیز به عرف هر مکانی بستگی دارد. گرچه لعن به کسی که مستحق آن است، مبنای قرآنی و روایی دارد و غیر سبّ است، اما از این نکته نباید غافل بود که این دو به سختی قابل تفکیک هستند. به گونه ای که در برخی کتب لغت، سبّ در تعریف لعن قرار داده شده است.<sup>2</sup> علمای شیعه با بهره گیری از قرآن و سنت و تبیین معیارهای لعن، تنها کسانی را مستحق لعن می‌دانند که معیارهای قرآنی بر آنان منطبق باشد؛ همان طوری که خداوند در آیات فراوانی چنین افرادی را لعن نموده است: «اولئك عليهم لعنة الله و الملائكة و الناس اجمعين<sup>3</sup>: آنان مشمول لعنت خدا، فرشتگان و تمام مردم خواهند بود». بنابراین لعن سران گمراه ظلم و ستم، جایز است؛ البته صرف گمان در این مسأله کفایت نمی‌کند، بلکه پس از تحقیق و یقین جایز می‌باشد. از این رو می‌توان گفت لعن هیچ کس جایز نیست مگر کسی که او را صاحب شریعت تجویز کرده باشد.

ج). حفظ اصل دین و ارزش ها

در زمان حاضر، برخی مسلمانان با بحث درباره برخی مسائل، در جهت دور افتادن از اصل دین هستند. در نظر همه مؤمنان، هم دین مجموعه ای است از باورها و ارزش های راستین، هم پیشوایان و نام آوران دین جامع و مجمعی هستند از ارزش های ایمانی و اخلاقی.

در حقیقت، آنچه تقدیس می‌شود باورهای متعالی و ارزش های فرازمند است. حال اگر فهرستی از این حقائق و فضائلِ مقبول فراهم آید، سپس کوشش ها به آنها و نحوه تقرب به آنها معطوف گردد، بی تردید

1. مجلسی، بحارالانوار، ج 69، ص 208.

2. نک: علی آقانوری، امامان شیعه و وحدت اسلامی، ص 236.

3. بقره/161.

هم با مجموعه گسترده ای از اشتراکات روبرو خواهیم بود، هم تکلیف اصلی همگان در تشریک مساعی برای نیل به این مطلوب ها روشن خواهد شد. بدیهی است که آرمان اصلی همه ادیان، تقرب به این ارزش هاست، نه کسانی که آن ارزش ها را نمایندگی می کنند. و سخن از نمادها و نمایندگان به واقع رهنمودی است به آن مطلوب ها.<sup>1</sup>

با بررسی واقعیت ها و اختلافات گذشته، نباید موجب تفرقه شد. مسئله ی شیعه و سنی در این زمان دایره بر این مدار نیست که حضرت امیرالمومنین -علیه السلام- و چند خلیفه دیگر، کدام بر دیگری برتری داشته اند، بلکه در حال حاضر مسئله ی اصلی جهان اسلام، این است که برای استنباط احکام شرعی باید به کدام یک از این دو گروه رجوع نمود: گروهی که صرفاً رسول خدا -صلی الله علیه و آله- را رؤیت و از حضرت نقل حدیث کرده اند؟ یا گروهی که قرآن و سنت و عقل، بر طهارت، وثاقت و رفعت علمی آنان گواهی می دهد.<sup>2</sup>

### نتیجه گیری

در طول تاریخ اسلام، موضوع «وحدت امت اسلامی» یکی از مسائل مطرح در میان مذاهب اسلامی بوده است. این اصل قرآنی (انما المومنون اخوه)، همواره با موانعی مواجه بوده؛ از جمله اینکه برخی کوشیده اند همبستگی مسلمانان را مورد خدشه قرار داده و با آن مقابله کنند. دشمنان معاند اسلام و دسیسه های مغرضانه ی آنها عاملی می باشد که با استناد به اصول غیر علمی، برای بی نتیجه ماندن هر گونه تلاشی در جهت وحدت اسلامی می کوشند. در کنار اینها کسانی هستند که خواسته یا ناخواسته آب به آسیاب دشمن می ریزند و تحت عنوان حفظ و تقویت باورهای شیعه از جمله لعن، با تحقق تقریب مذاهب مخالف اند و با تقریب گرایان، ستیز می کنند.

در عصر حاضر منتسبان به بیت شیرازی از جمله شیعیانی هستند که مخالف تحقق تقریب مذاهب اسلامی هستند یا دست کم، از گفتار و رفتار آنها «هانت به مقدسات» بر می آید. این افراد با مطرح کردن برخی مسائل نقلی و عقلی، در کنار روایات تاریخی به ایراد شبهاتی پرداخته اند و باید اعتراف کرد که چنین کاری جز در میان برخی شیعیان افراطی واقع نشده، و توسط هیچ یک از پیشوایان و عالمان مذهب تأیید نگردیده

---

1. نک: حمیدرضا شریعتمداری، «فرصتی برای گفتگو»، هفت آسمان، ش 32، سرمقاله .

2. نک: ابوالفضل خوش منش، بیداری اسلامی و بین الملل اسلامی، ص 338 .

است. بی‌انصافی خواهد بود اگر این کار به تمام شیعیان نسبت داده شود. راهکارهای بسیاری در جهت عدم اهانت به مقدسات دیگران وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از: الگوگیری از اهل بیت (ع)، شناخت مستحق لعن، حفظ اصل دین و ارزش‌ها.

## فهرست منابع

\*قرآن کریم

\*نهج البلاغه

1. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، دارالاحیاء الکتب العربیة، بی‌جا، بی‌تا.
2. ابن‌اثیر، نهایه، مکتبه‌العصریه، ب‌جا، 2005 م.
3. ابن‌الجوزی، عبدالرحمن بن علی بن محمد جوزی، الموضوعات، تحقیق عبدالرحمان محمدعثمان، مکتبه‌السلفیه، مدینه، 1386.
4. ابن‌بطه‌العکبری، ابی‌عبیدالله، الابانه عن شریعه‌الفرقه‌الناجیه و مجانب‌الفرق‌المذمومه، تحقیق رضا نعلسان معطی، دار‌رایه، بی‌جا، 1409.
5. ابن‌تیمیة، احمد، منهاج‌السنة، دارالکتب‌العلمیه، بیروت، بی‌تا.
6. ابن‌تیمیة، احمد، منهج فی مسأله‌التکفیر، عبدالمجید بن سالم بن عبدالله بن المشعبی، دارالاضواء السلف، الرياض، 1418.
7. ابن‌تیمیة، تقی‌الدین احمد، الفتوی‌الکبری، دارالکتب‌العلمیه، بیروت، بی‌تا.
8. ابن‌فارس، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اهل اللغه، داراحیا التراث العربی، بیروت، 1422 ق.
9. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان‌العرب، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1408 ق.
10. اراکی محسن، «جریان شیرازی‌ها از ابتدا مورد حمایت دستگاه‌های اطلاعاتی انگلیس بودند»، تشیع ناب، ش 1، زمستان 1393.
11. اراکی، محسن، «شیعه‌گری افراطی پس از پایان جنگ تحمیلی به وسیله انگلیسی‌ها قوت گرفت»، ص 43، تشیع ناب، قم، مرداد 1394.



12. اسحاقی، سیدحسین، نسیم همبستگی، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قم، 1386 .
13. آقانوری علی، امامان شیعه و وحدت اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، 1387 .
14. بخاری، محمدبن اسماعیل، الصحیح، دارالفکر، بیروت، 1410.
15. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، همبستگی مذاهب اسلامی، امیر کبیر، چ2، تهران، بی‌تا.
16. پاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)، انتشارات دانشگاه تهران، چ3، تهران، 1352 .
17. تفتازانی، مسعودبن عمر، شرح المقاصد، تحقیق، دکتر عبدالرحمن عمیره، منشورات شریف رضی، قم، 1409 .
18. حاکم نیشابوری شافعی، محمدبن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق یوسف مرعشلی، دارالمعرفه، بیروت، 1406.
19. الحیب، یاسر، فاحشه اسم لآخر لعایشه، بی‌تا، بی‌نا.
20. حسینی، سیدحسینعلی، غلو در دین، منشأ اختلاف مسلمین، دارالتفسیر، قم، 1388.
21. خمینی، روح‌الله، کتاب الطهاره، مطبعه الاداب، بی‌جا، 1349.
22. خوش‌منش، ابوالفضل، بیداری و بین‌المللی اسلامی، بوستان کتاب، قم، 1388 .
23. دهخدا، علی‌اکبر، لغ‌نامه دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، 1372 .
24. ذهبی، احمد، میزان الاعتدال و تذکره الحفاظ، بی‌نا، بیروت، بی‌تا.
25. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا .
26. زند کرمانی محمدباقر، نشانه‌های ولایت، اصفهان، حجت، 1379.
27. شرف‌الدین عاملی، عبدالحسین، الفصول المهمه فی تألیف الأمم، قسم‌الإعلام‌الخارجی‌الموسسه‌البعثه، تهران، بی‌تا.
28. شرف‌الدین عاملی، عبدالحسین، المراجعات، ضامن آهو، بی‌جا، 1387 .
29. شریعتمداری، حمیدرضا، «آوازه‌های ناساز»، هفت آسمان، ش33، سرمقاله .
30. شریعتمداری، حمیدرضا، «فرصتی برای گفتگو»، هفت آسمان، ش32 .
31. طبری، محمدبن جریر، تاریخ الطبری، دارالکتاب العلمیه، بیروت، 1407.
32. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، المكتبة المرتضویه، بی‌جا، بی‌تا .

33. عسقلانی، احمد بن علی، *الاصابة فی تمییز الصحابه*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، 1328.
34. عسقلانی، احمد بن علی، *فتح الباری* (شرح صحیح بخاری). مکتبه العصریه، بیروت، 1424.
35. علی اکبری راضیه، *نقش علمای جبل عامل در گسترش تشیع*، مجموعه مقالات کنگره بین المللی شهیدین، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، 1388.
36. غزالی، محمد، *احیاء علوم الدین*، انتشارات امیرکبیر، تهران، 1385.
37. غضنفری، علی، *مبانی تشیع در منابع تسنن*، اسوه، قم، 1388.
38. الکاظمی، هبه بن حسن طبری، *شرح اصول اعتقاد اهل سنت و الجماعه*، تحقیق د. احمد سعید حمدان الغامدی، نشر دارطیبه، بی جا، 1409.
39. کلینی، محمد بن یعقوب رازی، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، چ 3، بی جا، 1388 ق.
40. گلدوزیان، ایرج، *حقوق جزای اختصاصی*، انتشارات دانشگاه تهران، چ 7، تهران، 1380.
41. مالکی، عاطفه، «بازشناسی و نقد ادله مخالفان شیعی تقریب در پنجاه سال اخیر» پایان نامه کارشناسی ارشد رشته شیعه شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب، 1395.
42. مالکی، حسن بن فرحان، *مبلغ، نه پیامبر*، مترجم سید یوسف مرتضوی، نشر ادیان، چ 2، قم، 1387.
43. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، مؤسسه الوفاء، چ 2، بیروت، 1403 ه.ق.
44. مسلم، ابن حجاج، *الصحیح*، دارالفکر، بیروت، بی تا.
45. مصباح یزدی، محمد تقی، *دروس فلسفه اخلاق*، انتشارات اطلاعات، تهران، 1373.
46. مصری، ابن نجیم، *البحر الرائق*، منشورات دارالکتب العلمیه، بیروت، 1405.
47. مطهری، مرتضی، *جاذبه و دافعه علی؛ مجموعه آثار*، چ 16، صدرا، تهران، 1389.
48. معین، محمود، *فرهنگ فارسی*، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چ 8، تهران، 1371.
49. موحد، نعیمه، «تشیع لندن، انحراف شیروازیها و وظیفه شیعه»، روزنامه 19دی، سه شنبه 11 آذر 1393، ش 2026، ص 6.
50. هیشمی، علی بن ابی بکر، *مجمع الزوائد*، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1408 ق.